

پدر، الگویی برای مردشناسی دختران

می‌گویند هر چه رابطه پدر با دختر بهتر و صمیمانه‌تر باشد، دختران به هنجارشکنی گرایش کمتری دارند و موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند. خانم‌هایی که روابط بهتری با همسرانشان دارند...



می‌گویند هر چه رابطه پدر با دختر بهتر و صمیمانه‌تر باشد، دختران به هنجارشکنی گرایش کمتری دارند و موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند. خانم‌هایی که روابط بهتری با همسرانشان دارند و در دهه سوم زندگی خود، از نظر هوان، جسم، سلامت بدنی، د، 16 سالگ، روابط مبتد، با بدانشان داشته‌اند.
جام جم سرا: «وقتی موهایم را مرتب می‌بافم و پشت سرم می‌بندم و هنگام آمدن بابا دم در به استقبالش می‌روم و می‌گویم: باباجون امروز من از شما پذیرایی می‌کنم، بابا گل از گلش می‌شکند و می‌گوید: این یعنی که دختر کوچولوی من بزرگ شده. خوش به حال آن مرد خوشبختی که تو همسرش خواهی شد».

نتایج پژوهش‌ها برخلاف دوران جامعه سنتی بر ارتباط تربیتی پدر و دختر صحنه می‌گذارد، چنان‌که مرور پژوهش‌های 20 سال گذشته (حداصل سال‌های 1987 تا 2007 در سوئد) نشان می‌دهد، هر چه رابطه پدر با دختر بهتر و صمیمانه‌تر باشد، دختران به هنجارشکنی گرایش کمتری دارند و موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند.

خانم‌هایی که روابط بهتری با همسرانشان دارند و در دهه سوم زندگی خود، از نظر روانی و جسمی از سلامت بهتری برخوردارند، در 16 سالگی روابط بهتری با پدرانشان داشته‌اند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که روابط صحیح تربیتی پدر و دختر، مانع بلوغ زودرس دختران و تبعات منفی آن می‌شود. اما پدران برای این‌که بخواهند رابطه خوب و موثری با دخترانشان داشته باشند، باید به چه نکاتی توجه کنند؟

مردشناسی در سایه پدر

وقتی مرد به عنوان جنس مخالف و شریک زندگی زناشویی در ذهن دختران شکل می‌گیرد، نیاز به الگوی عملی و راهنمای خوب برای برخورد مناسب با جنس مخالف دارند.

شیمای الف دختر 37 ساله‌ای است که هنوز شانس ازدواج پیدا نکرده است. او می‌گوید: اگر تاکنون چنین شانس نداشت‌ام از نظر من مقصر پدرم است. او بسیار مرا محدود و هر مساله‌ای را در خانواده با خشونت حل می‌کرد. دائم با مادرم در حال مشاجره بود و کسی جرأت نمی‌کرد مسائل خانواده را با پدرم در میان بگذارد چه برسد به این‌که ما بخواهیم با پدرمان در مورد جنس مخالف صحبت کنیم. از نظر من نیازی به گفت‌وگو نبود، همه مردها مثل هم بودند و پدرم نیز نماینده همه آنها. تا مدت‌ها از پدرم و همه مردهای بیزار بودم. در جامعه، دانشگاه، محل کار و... با آنها خشن برخورد می‌کردم و هیچ‌گونه همدلی با آنان به خرج نمی‌دادم. به همین دلیل هیچ وقت از میان مردانی که مرا دیده بودند و می‌شناختند خواستگاری نیافتم. کسانی که به خانواده معرفی می‌شدند را نیز می‌تارندم چون اصلاً سلیقه خانواده‌ام را قبول نداشتیم. حالا دارم به مشاور مراجعه می‌کنم و دو سال اخیر حس می‌کنم، طبیعی‌تر رفتار می‌کنم، اما دیگر شاید خیلی دیر باشد.

آگاهی بخشی به موقع

می‌توان گفت پدر بهترین الگوی عملی و نظری برای مردشناسی است که دختران هنگام بلوغ می‌توانند رفتارهای او را ببینند و از مرد بیزار شوند یا به او تمایل پیدا کنند. می‌توانند نحوه رفتار صحیح با مردان را از پدرشان سوال کنند و محبت مورد نیاز و مشروع خود را تا زمانی که هنگام ازدواجشان برسد از او دریافت کنند.

رابطه پدر و دختر باید به گونه‌ای باشد که او بتواند مشکلات خود را قبل از این‌که خیلی دیر شود به خانواده بگوید نه این‌که از ترس پدر دست به پنهانکاری زده و به بهانه درس خواندن سر از پارتی‌های مختلط درآورد.

شما نیز اگر دختر نوجوانی دارید، باید خطرات اجتماع را به او توضیح دهید. توضیح دهید که ممکن است در این سن، در اجتماع، کم‌کم توجه‌هایی را از جنس مخالف دریافت کند که همیشه نشانه علاقه واقعی شخص نیست و نباید زیاد به این نوع افراد وابسته شود. پدر می‌تواند دخترش را در مورد عصیان‌های جنسی زودگذر آگاه کند و به او بفهماند چگونه باید از خود در مقابل مزاحمت‌ها مراقبت کند.

گریز از خانواده

رابطه پدر و دختر باید به گونه‌ای باشد که او بتواند مشکلات خود را قبل از این‌که خیلی دیر شود به خانواده بگوید نه این‌که از ترس پدر دست به پنهانکاری زده و به بهانه درس خواندن سر از پارتی‌های مختلط درآورد.

شیرین یکی از دخترانی است که قربانی بی‌توجهی خانواده شده و بعد از فرار از خانه از قانون اصلاح و تربیت سر درآورده است. او می‌گوید: اول از همه با درد دل شروع شد. می‌خواستم با کسی درد دل کنم که به من بگوید چگونه می‌توانم در دل کسی که دوستش دارم اما به من اهمیت نمی‌دهد جا باز کنم. کسی که مردها را خوب بشناسد. برادر و پدرم به گونه‌ای با من برخورد می‌کردند که هرگز جرأت نکردم مشکلاتم را با آنها در میان بگذارم. حتی نمی‌دانستم حسی که به آن پسر دارم واقعی است یا نه، اما در میان هم‌کلاسی‌هایم دختری بود که ادعا می‌کرد در میان پسرها دوستان زیادی دارد و در مورد جنس مخالف بسیار

مجرّب است. او با گفتن این‌که برای فراموشی غم‌هایت باید دارو مصرف کنی اول از همه مرا به یک مهمانی دخترانه که در آن اکس مصرف می‌کردند، برد. این قرص لعنتی آدم را دچار سرخوشی کاذب می‌کند و همه انرژی‌ای که غصه از تو گرفته به تو بازمی‌گردد و در زندگی هر کاری می‌توانی بکنی. بعد کم‌کم مرا با دوستهای جنس مخالف آشنا کرد تا به من بفهماند «تو چون کسی را ندیده‌ای به آن پسر دل بسته‌ای» و یک روز سقوط واقعی را در یکی از همین اکس پارٹی‌ها تجربه کردم.

با توجه به پایین آمدن سن بلوغ روانی طی سال‌های اخیر بهتر است این مسائل را در شروع دوره راهنمایی با دخترتان در میان بگذارید یعنی قبل از این‌که تجارب ناخوشایندی برایش روی داده باشد.

مسائل مربوط به دوستی بین دختر و پسر در این سن و مشکلات و خطرات دوستی‌های ناسالم و به دور از اطلاع خانواده را برای دخترتان توضیح دهید اما در همه چیز تعادل را رعایت کنید و ذهن فرزندتان را با چیزهایی که تجربه‌اش برای او خیلی زود است، درگیر نکنید. این توضیحات باعث می‌شود دخترتان متوجه شود که شما در مورد او و تغییراتی که برایش رخ داده، بی‌اطلاع نیستید. این کار به او این امکان را می‌دهد که در زمان لازم با شما یا همسران صحبت کند.

هدف؛ ازدواج

بعد از 18 سالگی یعنی زمانی که دخترتان کودکی را پشت سر می‌گذارد باید به همراه همسران به او درس‌های زندگی بدهید. این‌که هدف از یک ارتباط محدود، شناخت طرف مقابل و صرفاً برای ازدواج است نه وقت‌گذرانی. به حرف‌ها و ایده‌آل‌های او گوش دهید و درددل‌هایش را بشنوید. گاهی فقط برای خودتان برنامه‌ریزی کنید و با او به سینما، پارک یا قدم زدن و خرید بروید. در این سال‌ها او ارزش یک مرد خوب و روش یک زن کامل بودن را می‌آموزد، پس در این آموزش، نهایت دقت را به خرج دهید. همیشه دخترتان را به‌عنوان یک زن تکریم کنید و هرگز او را به‌خاطر این‌که پسر نیست شماتت نکنید. بگذارید او خودش را دوست داشته باشد. یک زن تا برای خودش ارزش قائل نشود نمی‌تواند ارزش خود را در مقابل جنس مخالف حفظ کند. (کیدز 24)